



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Chayei Sarah

Hopes and Fears

خیه سارا: امیدها و هراس ها

پاراشای خیه سارا روی دو رویداد تمرکز می کند، هر دو طولانی و پراز ریزه کاری. ابراهیم زمین و غاری را به عنوان آرامگاه برای سارا می خرد و به خدمتکارش دستور می دهد همسری برای پسرش اسحق پیدا کند. چرا این دو رویداد؟ پاسخ ساده این است که چون اتفاق افتاده اند. البته این شرط ضروری است، اما برای تشریح یک روایت توراتی کافی است. این یک کتاب تاریخ نیست. تورات است، یعنی "آموزش". وقتی اتفاقی رخ دهد، ابتدا آنرا برای ما باز می گوید، سپس از چیزهایی که باید بدانیم، اطلاع می دهد. "آموزش" درون این دو رویداد چیست؟ نکاتی بیسابقه.

ابراهیم، نخستین متعهد به عهد با خدا، دو وعده دریافت می کند که هر دو پنج بار تکرار شده اند. اولی در مورد یک سرزمین است. بارها خدا به او می گوید که سرزمینی که به سوی آن سفر می کند، یعنی کنعان، روزی به او تعلق خواهد داشت:

1 سپس خداوند به ابرام پدیدار شد و گفت "من این سرزمین را به فرزندان تو خواهم بخشید." او آنجا

برای خداوند که بر او پدیدار شد، قربانگاهی ساخت. پیدایش ۱۲:۷

2 پس از آنکه لوط از او جدا شد، خداوند به ابرام گفت: "چشمانت را بالا بگیر و از آنجا که هستی به سوی شمال، جنوب، شرق و غرب بنگر. سراسر سرزمینی که می بینی را برای همیشه به تو و فرزندان می بخشم... برخیز و طول و عرض سرزمین را بپیمای، زیرا آنرا به تو خواهم داد." پیدایش ۱۴-۱۷:۱۳

3 و خداوند به او گفت: "من خداوند هستم که تو را از اور کسیدیم آوردم تا این سرزمین را به مالکیت تو دریاورم." پیدایش ۱۵:۷

4 در آن روز خداوند عهدی با ابرام بست: "این سرزمین را از رود مصر تا رود فرات که کنی ها، کنیزی ها، کادمونی ها، هیتی ها، پریزی ها، رفائیم، آموری ها، کنعانی ها، گیرگاشی ها و یبوسی ها در آن ساکن هستند، به فرزندان تو خواهم بخشید." پیدایش ۱۸-۲۱:۱۵

5 عهد خود را میان من و تو و فرزندان من در نسل برقرار می کنم: عهدی ابدی. من خدای تو و نسل های پس از تو خواهم بود و سرزمینی را که اینک مانند غریبان در آن زیست می کنید به تو و فرزندان خواهم داد، سراسر سرزمین کنعان همچون مالکیتی ابدی؛ و من خدای آنان خواهم بود. پیدایش ۷-۸:۱۷

دومین وعده که در مورد فرزندان بود نیز پنج بار تکرار شده است:

1 تو را به ملتی بزرگ تبدیل خواهم کرد و برکت خواهم کرد و نامت را بلند خواهم ساخت. تو به یک برکت تبدیل خواهی شد." پیدایش ۱۲:۲

2 "من نسل های تو را مانند شن روی زمین پرشمار خواهم کرد: اگر کسی بتواند دانه های شن زمین را بشمارد، می تواند اعقاب تو را بشمارد." پیدایش ۱۶:۱۳

3 خداوند او را بیرون برد و گفت: "به آسمان ها بنگر و اگر می توانی ستارگان را بشمار. اعقاب تو مانند آنها خواهند بود." پیدایش ۱۵:۵

4 و خداوند به او گفت: "از جانب من، این است عهد من با تو: تو پدر ملت های بسیاری خواهی بود. از این پس تو را ابرام صدا نخواهند زد. نام تو ابراهیم خواهد بود، زیرا تو را پدر ملت های بسیاری ساخته ام."

پیدایش ۴-۱۷:۵

5 تو را بس برکت خواهم کرد و دودمانت را به شمار ستارگان آسمان و شن های ساحل دریا خواهم ساخت.

پیدایش ۱۷:۲۲

اینها وعده های بزرگی هستند. سرزمین در طول و پهنای آن به ابراهیم و فرزندانانش همچون "مالکیتی ابدی" تعلق خواهد داشت. فرزندان ابراهیم به شمار شن های زمین و ستارگان آسمان خواهند بود. او پدر نه یک ملت، بلکه ملت های بسیار خواهد بود. اما هنگام درگذشت سارا واقعیت از چه قرار است؟ ابراهیم مالک هیچ سرزمینی نیست و تنها یک پسر دارد (پسر دیگری هم دارد به نام اسماعیل، اما گفته شده که او نگهدارنده ی عهد نخواهد بود).

اهمیت این دو رویداد اکنون آشکار می شود. ابراهیم ابتدا به چانی زنی طولانی با هیتی ها جهت خریدن زمین و غاری در آن برای دفن سارا می پردازد. هیتی ها یک چیز می گویند، اما منظور دیگری دارند. آنها به عنوان یک گروه می گویند: "آقا به ما گوش بده. تو شاهزاده ی خدا در میان ما هستی. مرده ات را در بهترین مکان در میان مقبره های ما دفن کن." افران، مالک زمینی که ابراهیم می خواهد بخرد، می گوید: "به من گوش بده. من زمین را همراه غاری که در آن است، به تو می دهم. آنرا به تو در برابر دیدگان مردم می بخشم. مرده ات را دفن کن."

آن گونه که روایت روشن می سازد، این سخاوتمندی زبانی، یک ظاهرسازی است برای یک چانی زنی بسیار سرسختانه. ابراهیم می داند که "غریب و بیگانه ای است در میان آنها"، یعنی افزون بر همه چیز، او حقی بر مالکیت بر زمین ندارد. اگر سخن آنها را از پیرایه های ادب بزداایم، اصل حرف آنها چنین می شود: "یکی از مقبره های ما را برگزین. نمی توانی مقبره ای برای خود بخری." ابراهیم عقب نشست. او اصرار بر خریدن زمین کرد. پاسخ افران این بود: "مال تو است. آنرا به تو می بخشم." این پاسخ در واقع، پیشدرآمدی است بر درخواست رقمی کلان: چهارصد شِکل نقره. اما سرانجام ابراهیم صاحب زمین می شود. انتقال مالکیت نهایی به دقت و با واژگانی قانونی ثبت شده است (پیدایش ۱۷-۲۳:۲۰) تا نشان دهد که سرانجام، ابراهیم صاحب قطعه ای از آن سرزمین شد. قطعه ای کوچک است: یک زمین و یک غار. مقبره ای خریداری شده به رقمی کلان. این تمامی تحقق وعده ی الهی در مورد سرزمین بود که ابراهیم در زمان حیات خود دید.

باب بعدی تورات، یکی از بلندترین باب ها در پنج کتاب موسی، به این می پردازد که اسحق باید همسری داشته باشد. او دستکم به تخمین ما باید ۳۷ ساله باشد (سن او در زمان درگذشت سارا) اما هنوز ازدواج نکرده است. ابراهیم فرزند دارد، اما نوه ای و پُشتی ندارد. مانند مورد خریداری زمین، گرفتن عروس پول زیاد می خواهد و معامله ای سخت است. خدمتکار ابراهیم به سراغ خویشان او می رود و بیدرنگ حتی پیش از آنکه دعایش برای کمک الهی به پایان رسیده باشد، دختر، یعنی ریوکا را می یابد. تضمین گرفتن از خانواده اش موضوع دیگری است. او طلا، نقره و لباس برای دختر آورده است. به برادر و مادرش هدیه های گرانبها می پردازد. خانواده با هم خوراکی شادمانه می خورند. اما وقتی خدمتکار می خواهد آنجا را ترک کند، برادر و مادر دختر می گویند: "بگذار دختر پیش ما برای یک سال یا ده ماه بماند." لابان و برادر ریوکا نقشی شبیه افران بازی می کنند: نمایش سخاوتمندی که حتی نیتی بهره کشانه تر را در خود پنهان ساخته است. سرانجام، صبر به ثمر می نشیند. ریوکا آنجا را ترک می گوید و اسحق با او ازدواج می کند. عهد با خدا تداوم می یابد.

اینها رویدادهای کوچکی نیستند. داستانی دشوار را تعریف می کنند. بله ابراهیم سرزمینی خواهد داشت. فرزندان بیشمار خواهد داشت. اما این امور به زودی، فوری و به آسانی اتفاق نمی افتند. بدون تلاش انسانی نیز رخ نمی دهند. برعکس، فقط متمرکزترین اراده ها آنها را پدید می آورند. وعده ی الهی، آنچه ابتدا می نمود، یعنی گفته ای که خدا به آن عمل می کند، نیست. بلکه در اصل یک درخواست و یک دعوت از سوی خدا برای ابراهیم و فرزندان او است که باید به آن عمل کنند. خدا به آنان کمک خواهد کرد. نتیجه همان خواهد بود که خدا پیشاپیش گفت. اما نه بدون تعهد کامل از سوی خاندان ابراهیم، علیرغم موانعی که گاه برنگذشتنی می نمایند.

یک سرزمین: اسرائیل. و فرزندان: تداوم نسل یهودیان. واقعیت چشمگیر این است که امروز، چهارهزار سال بعد، یهودیان سراسر دنیا همچنان دلمشغول همین وعده ها هستند — یعنی امنیت اسرائیل همچون خانه ی یهودیان و آینده ی مردمان یهودی. ما همان امیدها و هراس های ابراهیم را همچنان داریم. (آیا در دنیا هیچ ملت دیگری هست که دلمشغولی های امروزش همان باشند که چهارهزار سال پیش بوده اند؟ این شباهت در ورای زمان، هیبت انگیز است.) امروز، مانند آن روزگار، وعده ی الهی به این معنا نیست که می توانیم آینده را به خدا بسپاریم. چنین دیدگاهی هیچ جایی در دنیایی که در کتاب اول تورات توصیف شده، ندارد. برعکس، این چالش خدا با ما است نه چالش ما با خدا. رویدادهای خیه سارا یعنی ابراهیم دریافت که خدا به او وابسته است. ایمان به معنای بیعملی نیست. به معنای شجاعت

برای عمل کردن و هرگز تسلیم نشدن است. آینده اتفاق خواهد افتاد، اما این ما هستیم که با شجاعت و الهام و قدرت گرفتن از عهد با خدا باید آنرا تحقق بخشیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقییان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved